

📖 نقد کتاب **رامین جهان پور**

نگاهی به رمان «سمندر» گذشتن از آتش



نویسنده رمان «سمندر» در روایت این داستان سراغ خاطرات خود در دوران جنگ رفته است؛ زمانی که او نوجوان بود و در روزهای جبهه، مسئولیت نگهبانی از یک پل سوق‌الجیشی در یکی از مناطق جنوبی کشور را که دقیقاً در مرز میان ایران و عراق قرار داشت به او سپرده

بودند؛ پلی که رودخانه‌ای از پایین آن در حال گذر بود. بخش اعظم ماجراهای این رمان در همان مکان اتفاق می‌افتد. در این داستان نویسنده از قالب مستند گویی و خاطر‌نویسی بیرون آمده و به نوشته‌اش درونمایه و ساختار داستانی داده است. یک پاراگراف محوری در این داستان وجود دارد که سرشار از ایماز است و تصویری که نویسنده از این پل و شخصیتی به اسم «صفهانی» می‌دهد، به مخاطب کمک می‌کند تا به بهترین نحو بافضا و مکان داستان آشنا شود: «عجیب‌ترین واقعه همین دیدن اصفهانی بود. ۱۷ روزی که پاس‌ها طول کشیده بود، چند روز یک بار می‌آمد و با واوتش از زوری پل می‌گذشت. آن ۱۷ روزها تکرار شد… اما دلم می‌خواست فرصتی می‌شد، می‌رفتم آن طرف پل و جاهایی که اصفهانی در آنجا کشت و زرع می‌کرد را می‌دیدم، حتی جایی که عرب‌ها بساط کباب و رباب داشتند. کمی دورتر از شط، چند خانواده زندگی می‌کردند. لیمبه زنی بود که گاهی دبه‌ای پلاستیکی شیر گاو‌میش می‌آورد برای ما. فارسی بلد نبود…» و دیدهی است که نویسنده در پرداخت این قصه علاوه بر خاطراتش از عنصر خیال و استعاره و تمثیل‌های داستانی هم استفاده کرده است. نوجوان اول داستان همانطور که مشغول نگهبانی است اطرافش را هم زیر نظر دارد و کم‌کم با افراد دیگری که به قصه اضافه می‌شوند آشنا می‌شود تا اینکه سر و کله گشتی‌های دشمن پیدا می‌شود و او چاره را در این می‌بیند که تا آنجا که می‌تواند از مسئولیتی که به او سپرده شده محافظت کند. اوج شکل‌گیری داستان در صحنه درگیری او با سربازهای عراقی در روی پل راه‌بردی آغاز می‌شود. در کنار شخصیت اول عراقی کاراکترهای دیگری هم به نام‌های اصفهانی، انگچی، نور علی شمس و… هستند که در ماجراهای رمان نقش دارند و مخاطب با آنها آشنا می‌شود.

■ چرا «سمندر»؟

شاید عجیب باشد که چرا نویسنده این کتاب – مصطفی جمشیدی – اسم سمندر را برای این کتاب انتخاب کرده است. نویسنده در عین حالی که یک داستان رئال برای ما تعریف می‌کند، از استعاره کمک گرفته است. سمندر نام جانوری است که از آتش می‌گذرد و در مناطق جنگی هم حیواناتی مثل رتیل و عقرب و سمندر به وفور پیدا می‌شوند. در اینجا نویسنده، نوجوان نگهبان را به سمندری واقعی تشبیه کرده است که در دوران خدمت با غلبه برفش و با تکیه بر ایمان خود، همچون سمندری ترس را از خود دور می‌کند و جلوی آتش دشمن می‌ایستد و دلیل نامگذاری کتاب هم همان گذشتن از آتش است و در نگاهی دیگر اینکه او با گذشت زمان به یک نوع بلوغ فکری در زندگی می‌رسد تا از آتش عبیم بگذرد و رها شود.

■ روند کند در آغاز داستان

نکته دیگری که باید یادآور شد، روند کند شروع صفحات اولیه رمان است که مخاطب را خیلی به ادامه دادن آن ترغیب نمی‌کند. شاید اگر نویسنده با استفاده از ترفندی دیگر در موعارف کاراکترهای داستان با عراقی‌ها هیجان داستان را در صفحات شروع داستان بیشتر می‌کرد، خواننده در شروع رمان بیشتر جذب می‌شد، هر چند در ادامه، تجربه به کمک نویسنده می‌آید و او با کنجکاو ساختن خواننده با ماجراهایی که برای نگهبان اتفاق می‌افتد و ایجاد تعلیق، مخاطب را درگیر ادامه داستان می‌کند. چاپ جدید رمان سمندر در سال ۹۸ توسط انتشارات «به‌نشر» وارد بازار کتاب شده است.

📖 دیده‌بان

گالکسی قطع «پرس تی‌وی» و «آی فیلم» انگلیسی را آغاز کرد

ماهوره گالکسی ۱۹ژانویه ۱۹۳۰ در خاردخ قطع مودی بخش شبکه پرس تی‌وی و آی‌فیلم انگلیسی را شروع کرد. به گزارش روابط عمومی معاونت برون‌مرزی صدا و سیما، به رغم پیگیری‌ها و تلاش برای مذاکره و تمدید مهلت پرداخت پدھی ارزی صدا و سیما به این ماهواره، گالکسی ۱۹ جمعه شب گذشته بخش پرس تی‌وی را به مدت یک ساعت و دیروز از ساعت ۱۳ به وقت تهران به مدت سه ساعت قطع کرد. گالکسی ۱۹ امریکای شمالی و مرکزی را پوشش می‌دهد. تاکنون اقدامی از سوی نهادهای مسئول تخصیص بودجه‌آرزی صدا وسیما و معاونت برون مرزی صورت نگرفته است.



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی
سر‌دبیر: غلام‌رضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نامبر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۹۵۴ | یکشنبه اول تیر ۱۳۹۹ | ۲۹ شوال ۱۴۴۱ | اذان ظهر: ۱۳:۰۶ | غروب آفتاب: ۲۰:۰۴ | ۳۰ مغرب: ۲۰:۵۵ | ۱۲یمه شب‌شعر: ۰۱:۰۲ | اذان‌صبح فردا: ۰۵:۰۹ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۰۹

تقلای سازمان سینمایی برای گرفتن افسار سینما

فیلم‌های مطرح بدون باج‌خواهی حاضر به اکران نیستند



■ **محمدصادق عابدینی**

در روزی که می‌شد برای بازگشایی سینماها پس از چند ماه تعطیلی از تیرهای شبیه «سلام سینما» استفاده کرد، سازمان سینمایی درگیر راضی کردن فیلم‌هایی بود که قرار است از امروز بر پرده سینماها ظاهر شوند. مالکان فیلم‌های «شنای پروانه» و «خوب، بد، جلف ۲»، نمی‌خواستند بدون گرفتن امتیازهای ویژه تین به اکران دهند و روز گذشته سازمان سینمایی تلاش کرد تا رضایت این دو فیلمساز را برای بازگشت به روند اکران به دست بیاورد و در مقابل گزینه‌های جایگزین را از اب‌تکم در بیاورد.

اکران برای بازگشایی سینماها بر شرایطی که امروز بار دیگر در حال اوج‌گیری است، اگرچه از نظر قضائی کار چندان درستی به نظر نمی‌رسد، ولی بیکاری چند ماهه سینماگران و هنرینه‌های سنگین نگهداری سینماها و البته فشارهای رسانه‌ای برای بازگشایی سینماها به نتیجه رسید. قرار است از امروز اول تیرماه، سینماها با حفظ موارد ایمنی و استفاده از ۵۰ درصد ظرفیت فعالیت خود را آغاز کنند، با این وجود در فاصله کمتر از ۲۴ساعت باقی‌مانده تا این بازگشایی به ظاهر پرشکوه، هیچ کس دقیقاً نمی‌دانت که قرار است چه اتفاقی برای امروز رخ دهد.

ریشه سردرگمی در تصمیم‌گیری‌ها به ساختمان سازمان سینمایی در بهارستان بازمی‌گردد. با وجود اینکه دولت از مدت‌ها پیش اول تیر را زمان بازگشایی سینماها اعلام کرده بود، حسین انتظامی رئیس سازمان سینمایی نتوانست از این فرصت به خوبی استفاده کند. مصاحبه انتقادی رسول صدرعاملی درباره محقق نشدن وعده‌های شهرداری و سازمان سینمایی برای حمایت از

📖 حکمت

امام علی(ع) می‌فرمایند:

اگر به گناهی آلوده شدی بی‌درنگ آن را با توبه بشوی.

گزیده تحفالعقول

📖 نما حسین کشتکار



متوقف در ایده

کم‌کاری فیلمساز در پردازش کاراکترها باعث عدم‌شکل‌گیری رابطه‌ها در فیلم «بهت» شده، به طوری که رابطه آتنا و فرید در هاله‌ای از ابهام است و نمی‌دانیم این دو چه نسبتی باهم دارند

■ **افشین علیار**



اساساً نمی‌دانیم این دو چه نسبتی با هم دارند. در خلاصه داستان آمده زوجی پس از ۲۰سال فراق همدگر را پیدا می‌کنند اما از چنین چیزی در فیلم نمی‌بینیم و نمی‌شنویم، به همین دلیل صحبت کردن فرید با پسرش از طریق لقب تات به هم مبهم است. اگر پسری در کار نبود چه اتفاقی برای روند فیلم می‌افتاد، آیا چون فرید فرزند دارد نسبت به احساس آتنا بی‌توجهی می‌کند؟ از مریم و رضا هم زندگی زناشویی نمی‌بینیم. دیالوگ‌های پرخاشگرانه‌ی میان آنها رد و بدل می‌شود اما اینکه زن پنج پناه چنین را در شکم نگه دارد و بعد به شوهر بگوید که در دلش برای او نیست، خارج از عرف است. رضا همان اول واکنش نشان می‌دهد اما بعد آرام می‌شود و انگار می‌تواند با موضوع کنار بیاید، اساساً نقشه‌کشی او و دوستش برای آسیب رساندن به چنین داخل شکم مریم آنقدر سطحی است (البته بالبدی فیلمساز است) که مخاطب نمی‌تواند آن را بپذیرد و فیلم از این تصادف و حادثه ساختگی آسیب جدی تری می‌بیند چراکه این حادثه بیشتر به اتفاقاتی مثل سریال «شاید برای شما هم اتفاق بیفتد» شباهت پیدا کرده و از سکانس حادثه به بعد ۱۰دقیقه موسیقی متن پخش می‌شود و لیلادر کما باقی می‌ماند و سه کاراکتر دیگر پشت در آی‌یو سی‌منظر می‌مانند و در این میان که شرایط نسبتاً بحرانی به وجود می‌آید، فرید و رضا در فضای هنری کار می‌کنند باید باورپذیر باشند، این چند آدم فقط در یک موقعیت شغلی قرار دارند، برای همین نمی‌توانند شخصیت باشند. کم‌کاری فیلمساز در پردازش کاراکترها باعث عدم شکل‌گیری رابطه‌ها شده به طوری که رابطه آتنا و فرید در هاله‌ای از ابهام است،

نمایش جهانی «شبی که ماه کامل شد»

این شرکت آمریکایی که سال‌هاست در بازارهای جهانی در زمینه پخش فیلم‌های بلند سینمایی، مستند و سریال‌های تلویزیونی فعالیت می‌کند برای نخستین‌بار فیلمی محصول سینمای ایران را جهت اکران و پخش عمومی در امریکای شمالی خریداری می‌کند.

شرکت پخش فیلم «تانتیک مدیا» نیز حقوق پخش فیلم را برای کشور ترکیه خریداری کرده و شرکت «فیلم‌های مستقل ایران» به مدیریت محمد اطیبایی پخش بین‌المللی فیلم را عهده‌دار است.

«شبی که ماه کامل شد» در مسیر اکران جهانی، نمایش مستند «جایی برای فرشته‌ها نیست»، روایتی از یک فاجعه در مجموعه مستند «موزه‌های دور درخت مانداند» و صدور پروانه نمایش «سوگند» بخشی از اخبار امروز سینمای ایران است. به گزارش فارس، شرکت «سنسزجیت» که تاژگی حقوق پخش فیلم سینمایی «شبی که ماه کامل شد» به کارگردانی نرگس آبیار را برای امریکا و کانادا خریداری کرد.

انتشار زندگی و زمانه «گلعلی بابایی»

«از تبار حبیب» درباره نویسنده‌ای که در یگان‌نویسی کوشا و شکوفاست



کتاب «از تبار حبیب» زندگی و نویسندهگی **گلعلی بابایی** (نویسنده کتاب مهتاب خیین) توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شد. از تبار حبیب در پی آن است که مخاطب را با اقت‌های اندیشه‌ی شیوه‌های نوشتاری گلعلی بابایی آشنا کند و از همین رهگذر در شناساندن این نویسنده که در معرکه جنگ گداخته‌شده قدیمی سر درآد. گلعلی بابایی به جهت حضورش در جبهه‌های حق علیه باطل و آشنایی‌اش با کارزار جنگ، «زمنده-نویسنده‌ای» است که با قلمی شیوا، مبتکرانه دست به نوشتن برده است. یگان‌نویسی، گونه‌ای است که این نویسنده در آن کوشا و شکوفاست. او در این قالب، با استناد به اسناد معتبر، کتاب‌های خوش‌خوانی در ساحت ادب و هنر نگاشته است. «از تبار حبیب» گفت‌وگوی بلندی با نویسنده معاصر، گلعلی بابایی است که نویسنده سعی داشته کتاب را به سیاق تاریخ‌شغاهی بنویسد. حسین قرایی نویسنده این اثر پیش‌تر با آثاری چون: «از سناباد شعر»، «در جست و جوی مهتاب»،

سر جایزه موسیقی جشنواره فجر پدرم داور بود، بحث می‌شود و پدرم بسیاری آنکه طرف من را بگیرد و نقشی در این جایزه‌نداشته باشند، اتقاق را ترک می‌کنند. من در حال سفر به جدهٔ بودم که ابراهیم حاتم‌ی‌کیا به من گفت بسمان و جایزه‌ات را بگیر. مجید انتظامی در گفت و گو با فریدون جیرانی که در آستانه زادروز درگذشت پدرش زنده‌یاد عزت‌الله انتظامی در موزه سینما انجام شد در پاسخ به سؤالی درباره فیلم «گاو» با ذکر خاطره‌ای گفت: فیلم گاوارا برای اولین بار با داور پوش مهرجویی در برلین دیدم. انصافاً پدرم در این فیلم بازی بسیار خوبی داشت تا آنجا که: جشنواره فیلم شیکاگو برای این فیلم جایزه گرفت و تیترو زنده‌نامه شد. انتظامی درباره اینکه پدرش تا چه اندازه به صدای بازیگر در فیلم‌ها اهمیت می‌داد، پاسخ داد: پدرم اصرار داشت که در فیلم‌ها خودش برای نقش‌هایش صحبت کند. خودش صحبت کرد. من به دلیل اینکه درگیر آهنگسازی بودم و مشغله‌های خودم را داشتم، کمتر سر فیلم‌های پدرم حاضر می‌شدم، البته یکی از دلایلی این بود که نمی‌خواستم این شائبه ایجاد شود که من برای گرفتن شغل یا پروژه آهنگسازی فیلم‌ها به پدرم سر می‌زنم.

وی درباره رابطه‌اش در کودکی با زنده‌یاد عزت‌الله انتظامی نیز گفت: هنرمندها خیلی تنها هستند، زیرا از خانواده‌شان به خاطر کارشان دور می‌شوند. اما یادم می‌آید که پدر من ما را به سینما هم می‌برد (با خنده)، خودش جلوتر می‌رفت و ما پشت

در آستانه زادروز درگذشت عزت‌الله انتظامی مطرح شد روایت مجید انتظامی از پدرش و حاتم‌ی‌کیا در جشنواره فجر



سرش می‌دویدیم. انتظامی در پاسخ به این سؤال جیرانی که آیا پدرش در مقام داور سفارش دادن جایزه به او را در جشنواره کرده است یا خیر؟ پاسخ داد: سالی که فیلم «از کرخه تا راین» به جشنواره راه پیدا کرده بود، سر جایزه موسیقی بحث می‌شود و پدرم برای آنکه به طرف من را بگیرد و نه نقشی در این جایزه داشته باشد، اتقاق را ترک می‌کند. من در حال سفر به جده بودم که ابراهیم حاتم‌ی‌کیا به من گفت بمان جایزه‌ات را بگیر و بعد برو اما در نهایت جایزه به فیلم دیگری تعلق گرفت و دیپلم افتخار را به من دادند. پدرم هیچ‌وقت برای من پارتی‌بازی یا سفارش ویژه‌ای نکرد. در کار مسیرهایمان از هم مجزا بود و تنها در دو کار مشترک باهم حضور داشتیم. وی با تأیید حرف‌های جیرانی جنبی بر نقش پررنگ عزت‌الله انتظامی در تاسیس موزه سینما گفت: پدرم از موسسان و از مدیران عامل ابتدایی موزه سینما بود. خودش با آژانس به منزل فیلمسازها می‌رفت و جایزه‌هایشان را می‌گرفت و به موزه سینما می‌آورد.